منشأ عزت در دولتی که کدخداباوری ندارد

علی قربان‌نژاد

دولتی که در ۸ سال گذشته سکان مدیریت فضای مجازی را به دست داشت با شعار دیپلماسی و ارتباط با همه دنیا روی کار آمد. رئیس‌این دولت که به صورت ویژه در حمایت طیف موسوم به اصلاح‌طلب بود در یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش گفت: «شما بلدید با دنیا مذاکره کنید؟ شما در فهم زبان ملت خودتان گرفتارید...»

دولت تدبیر و امید با شعار دیپلماسی و فهم زبان همه دنیا روی کار آمد. این دولت در ادامه کار تمام همت خویش را روی موضوع برجام گذاشت و در سال ۱۳۹۴ متنی که ماحصل مذاکره دیپلمات‌های دولت وقت با ۱+۵ بود به عنوان توافقنامه برجام معرفی شد.

دولت تدبیر و امید را نمی‌توان دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان نامید بلکه به عبارت دقیقتر آن دولت، دولت اصلاح‌طلبان بود چرا که از دومین پست قوه مجریه که معاون اولی رئیس‌جمهور بود تا سطح مدیران میانی و استانی حضور طیف موسوم به اصلاح‌طلب واضح و گویا بود. به غیر از این، از لحاظ منش و روش نیز این دولت در عرصه‌های مختلف تئوری‌های طیف اصلاح‌طلب را پیش می‌برد؛ از موضوع مسکن و ساخت آن تا دیپلماسی و....

انتخابات ۱۳۹۲ و پس از آن ۱۳۹۶ و نتیجه‌ای که از صندوق‌های رای بیرون آمد این پیام را به کشورهای جهان مخابره می‌کرد که طیف غربگرا در ایران پیروز انتخابات شده است. اگرچه غالب مردم کشور در رای دادن به افراد شاید گرایش‌های بین‌المللی افراد را مورد توجه قرار ندهند اما این موضوع برای کشورهای مختلف جهان بسیار مهم بود و آن را رصد می‌کردند.

علی‌القاعده و روی کاغذ معادلات این گونه بود که پیروزی طیف غربگرا در ایران و اینکه آنها برای ۴ یا ۸ سال دیگر سکان قوه مجریه را در دست دارند باید به این نتایج ختم می‌شد که روابط خوبی با کشورهای غربی در این دولت رقم بخورد و سطح سرمایه‌گذاری در ایران از سوی شرکت‌های غربی افزایش قابل توجهی پیدا کند. همچنین احتمال دیگری که روی کاغذ رخ می‌نمود این بود که روابط دولت تدبیر و امید با کشورهایی که در دایره دوستان ویژه غربی‌ها بودند نیز باید ارتقا یابد و...

اما در واقعیت آنچه رخ داد این گونه نبود. در دولت تدبیر و امید سطح روابط کشورمان با کشورهای همسایه به شکل عجیبی کاهش یافت و از طرف دیگر با کشورهای غیرغربی تاثیرگذار در سطح بین‌الملل نیز روابط ایران افت کرد. بسیاری از توافق‌های اقتصادی ایران با دیگر کشورها ملغی شد و یا در رکود افتاد.

پس از برجام نیز دولت وقت قراردادهای تجاری خود را متوجه دولت‌های اروپایی کرد و شرکت‌هایی نظیر توتال، پژو، ایرباس و... بیشترین بهره‌برداری را از فضای پسابرجامی کردند و قراردادهای قابل توجهی را از آن خود کردند. در ماه‌های بعد همین شرکت‌های اروپایی با بهانه قراردادن موضع آمریکا در قبال برجام از این قراردادها شانه خالی کردند و رفتند. ماحصل آنچه از عملکرد دولت تدبیر و امید می‌توان بیان کرد این است که این دولت با امید بستن به چند کشور غربی از عمده کشورهای دیگر جهان غافل شد و متاسفانه آن چند کشور غربی نیز بار دیگر نشان دادند که دیواری هستند که هر که روی آن یادگاری بنویسد پشیمان خواهد شد. مجموع عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم ضربه‌ای سخت را به تجارت برون مرزی کشور وارد کرد.

آن روی سکه...

در خرداد ۱۴۰۰ (سال جاری) انتخابات ریاست جمهوری اما پیامی متفاوت را به جهان مخابره کرد. آن پیام این بود که دولتی خلاف مشی دولت پیشین روی کار آمده که در جهان‌بینی خود جهان را معادل چند کشور غربی نمی‌بیند و برای جهان کدخدایی قایل نیست. شعار این دولت اتکا به توانمندی‌های داخلی است و جهان را به مثابه عرصه گسترده‌ای متشکل از چندصد کشور می‌بیند. در سیاست خارجی این دولت احترام متقابل حرف نخست را می‌زند و نمی‌خواهد منتظر اراده و تصمیم چند کشور بماند.

دولت جدید نه تنها گرایشی غربگرایانه ندارد بلکه به آن چند کشور غربی نیز با دید شک و تردید می‌نگرد و آنها را به هیچ عنوان قابل اعتماد نمی‌داند. در باور غربگرایان و کدخداباوران جهان عرصه اعمال اراده و تصمیم کدخدا و چند کشور نوچه کدخداست. باز این حساب آنچه روی کاغذ مشاهده می‌شود این است که چنین دولتی با چنین دیدگاهی نه تنها از سوی کداخدا و نوچه‌های اروپایی‌اش بلکه از سمت دیگر کشورهای جهان نیز طرد خواهد شد.

باز هم عرصه واقعیت برای ما غافلگیری دیگری به ارمغان می‌آورد. دولت جدید بلافاصله بعد از تشکیل در نخستین سفرهای خارجی خود رهاوردی بزرگ داشت و آن هم پذیرفته شدن در یکی از بزرگترین پیمان‌های منطقه‌ای بود. عضویت ایران در سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (شانگهای) این پیام را به غربگرایان می‌داد که پاسخ اعتماد به غرب بدعهدی آنهاست و پاسخ دولتی که نگاهش به همه جهان است و خود و ملتش را باور دارد این است که در چشم دیگر ملت‌ها نیز جایگاه یابد.

پس از این بود که موضوع پیش آمده میان ایران و ترکمنستان در دولت تدبیر و امید که باعث شده بود بخشی از صادرات ما که به این کشور است قطع شود با همت دولت رئیسی به سمت حل شدن رفت. پس از تاجیکستان و ترکمنستان در سفرهای بعدی سیدابراهیم رئیسی به روسیه و قطر رفت. تاکنون کشورهای مختلفی از رئیس‌جمهور کشورمان دعوت رسمی به عمل آورده‌اند تا او به کشورشان سفر کند. باید توجه داشت که هر کدام از این سفرها می‌تواند درهای تازه‌ای را به روی تجارت خارجی کشورمان باز کند. درهایی که بسته شدن آنها بیش از آنکه محصول تحریم‌های ظالمانه دشمنان باشد محصول خودتحریمی و ندانستن زبان دنیاست.

آری ندانستن زبان دنیا. چرا که در تمام دنیا به کسی یا کسانی که نگاهشان ملتمسانه و نگران به دست و دهان دیگران است به چشم انسان‌هایی فاقد اعتماد به نفس و بدون اراده و صلابت نگریسته می‌شود و در نقطه مقابل آن به کسی یا کسانی که دست بر روی زانو خود گذاشته و ذهنشان آلوده کدخداباوری نیست و به ملت‌شان اعتماد و ایمان دارند و عرصه بین‌المللی را براساس احترام متقابل ترسیم می‌کنند با نگاهی تحسین‌کننده و قابل احترام می‌نگرند. چیزی که در سفر رئیس‌جمهور به قطر شاهد آن بودیم.

نکته پایانی اینکه موضوع پایبندی به تعهدات برجامی مصداقی روشن برای سنجش باور داشتن یا نداشتن به موضوع احترام متقابل است. طیف اصلاح‌طلب و غربگرایان در کشورمان حتی پس از گذشت چندسال از اجرای برجام و در حالی که کشورمان به همه تعهداتش عمل کرده و غرب تعهداتش را انجام نداده بود باز هم بر این عقیده بود که ایران باید پای تعهداتش بماند. این مصداقی روشن از عدم باور این طیف به موضوع احترام متقابل در عرصه بین‌المللی است. هنوز هم این طیف از قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها به بدی یاد می‌کنند.

منطق یک چالش مستمر

معنا و مفهوم استکبارستیزی در آرمان‌های انقلاب

روح‌الامین سعیدی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی با اشاره به استکبارستیزی ملت ایران به‌عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب دشمنی جبهه استکبار با ملت ایران را دلیل زنده بودن انقلاب دانستند و تأکید کردند: «شعار انقلاب مقابله با استکبار است، مقابله با حرکت استکباری و قدرت‌های استکباری است؛ این کسانی که دم از تسلیم در مقابل استکبار می‌زنند، دم از تسلیم در مقابل آمریکا می‌زنند، نمی‌توانند به این انقلاب و به این هدفها پایبند باشند؛ این حرف قابل قبولی نیست.» ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

یکی از ویژگی‌های اکثر انقلاب‌های سیاسی حادث در جهان این است که پس از گذشت مدت‌زمان کوتاهی دچار وضعیت «ترمیدور» شده‌اند؛ ترمیدور در اصل نام یکی از ماه‌های تقویم فرانسوی است، اما در ادبیات علوم سیاسی اصطلاحاً به‌معنای فروکش‌کردن شرایط انقلابی و بازگشت به شرایط عادی، آغاز راست‌گرایی در انقلاب، سرخوردگی از وعده‌ووعیدهای انقلابی و بازگشت بخشی از طبقات حاکمه قدیم به قدرت است؛ زیرا در جریان انقلاب فرانسه، نهم ترمیدور روزی بود که روبسپر، رهبر تندرو انقلاب و یارانش با کودتای ناپلئون سرنگون شدند و سیاست موسوم به ترور سرخ پایان یافت.

اصطلاح ترمیدور را برای اولین‌بار کرین برینتون، نویسنده کتاب مشهور «کالبدشکافی انقلاب» وارد ادبیات علوم سیاسی کرد. برینتون، سه مرحله را در روند شکل‌گیری انقلاب‌های سیاسی شناسایی می‌کند و معتقد است در مرحله سوم یا ترمیدور شاهد حذف انقلابیون رادیکال و رجعت به ارزش‌های رژیم پیشین هستیم؛ یعنی به تعبیر برینتون، مرحله ترمیدور عبارت از دوران نقاهتِ پس از فرونشستن تب انقلاب و حاکی از رویگردانی از ارزش‌های انقلاب و احساس عدم‌دستیابی به اهداف بلندِ اعلام شده است.

بااین‌حال، بررسی‌های تاریخیِ آشکارا نشان می‌دهد که وضعیت ترمیدور طی سالیان سپری شده از عمر انقلاب هرگز در جمهوری اسلامی ایران رخ‌نداده و از این حیث، انقلاب اسلامی نمونه استثنایی در میان انقلاب‌های جهان به‌شمار می‌آید که پس از نزدیک به چهار دهه همچنان بر اصول اولیه خود پای فشرده و ارزش‌های بنیادینش را حفظ کرده است. تداوم التزام رهبران و دولتمردان نظام و ملت ایران به آرمان استکبارستیزی مثال خوبی برای ابطال تئوری ترمیدور برینتون در مورد انقلاب اسلامی است. در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب، پندار بسیاری از تحلیلگران در داخل و خارج از کشور این بود که سیاست‌های ضداستکباری جمهوری اسلامی و ایستادگی آن در برابر امپریالیسم جهانی ماهیتی مقطعی دارد و با گذر زمان و فرونشستن تب انقلاب، مقامات سیاسی ایران لاجرم در مواضع رادیکال خود تجدیدنظرنموده و دیر یا زود نسبت به عادی‌سازی روابط با ابرقدرت‌ها به‌ویژه ایالات متحده آمریکا اقدام خواهند کرد؛ اما برخلاف این پندارِ نادرست، جمهوری اسلامی در طول دوران حیاتِ پرفرازونشیب خود و در کوران حوادث سخت و طاقت‌فرسا همچنان به آرمان استکبارستیزی در کنار دیگر آرمان‌های انقلاب ملتزم باقی مانده است.

سیر اجمالی دراندیشه‌های رهبر انقلاب حاکی از آن است که ایشان نیز به تأسی از امام راحل و به اقتضای اصول بنیادین شریعت اسلام، استکبارستیزی را به چشم قاعده مبنایی خلل‌ناپذیر برای جمهوری اسلامی ایران و در نقش چراغ راهنمای حرکت مردم و مسئولان نظام می‌نگرند و همواره بر ضرورت حفظ رویکرد ضداستکباری انقلاب تأکید می‌ورزند. در ادامه، می‌کوشیم مهم‌ترین محورهای استکبارستیزی دراندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را از فحوای کلام ایشان استخراج و دسته‌بندی کنیم.

معنا و مفهوم استکبار

رهبر انقلاب، استکبار را معادل سیطره ظالمانه و قلدرمآبانه بر مجموعه‌های بزرگ انسانی تعریف می‌کنند: «در فرهنگ ما استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها را با سیطره قلدرانه و تحقیرآمیز به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان اهانت روا می‌دارد.» ایشان استکبارگری را نمود عینی و عملیِ «تکبر» به‌عنوان صفت قلبی و روحی می‌دانند: «استکبار، یعنی قدرتی در دنیا یا قدرت‌هایی در دنیا؛ چون نگاه می‌کنند به خودشان، می‌بینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ بنابراین، باید به خودشان حق بدهند که در امور زندگی کشورها و ملت‌های دیگر، دخالت‌های مالکانه بکنند؛ این معنای استکبار و روح سلطه‌گری است.»

ریشه قرآنی مفهوم استکبار

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این نکته تأکید دارند که آرمان استکبارستیزی مولود انقلاب اسلامی نیست، بلکه ریشه آن را باید در عمق تعالیم قرآن کریم سراغ گرفت: «مقابله ملت ما با استکبار، ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف در قرآن هست. وقتی ملت ما با این روحیه در مقابل آمریکا و دستگاه فاسد وابسته به آمریکا ایستاد، پشتوانه عظیم از اعتقادات و ایمان دینی پشت‌سرش بود و همین هم توانست او را موفق کند و پیش ببرد.»

تقابل تاریخی دو جبهه مستضعفان و مستکبران

رهبر انقلاب با الگوگیری از جهان‌بینی اسلامی، معتقد به وجود تقابل و صف‌بندی دیرپای تاریخی میان جریان مستکبر پیرو شیطان و جریان موحدان به طلایه‌داری انبیای الهی هستند: «امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار -که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد- همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالف‌اند؛ [بنابراین]، کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ در عین حال با همه زرق‌وبرقی که آن جبهه مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه می‌دهد و پیش می‌رود.»

تعیین مصداق برای استکبارگری در محیط جهانی

رهبر انقلاب برای خارج‌کردن مفهوم استکبارستیزی از فضای انتزاعیِ صرف، می‌کوشد تا برای این مفهوم در گستره محیط جهانی به‌صورت عینی و ملموس تعیین مصداق نمایند. ایشان ابتدا تأکید می‌ورزند که در استکبارستیزی، ملاک و معیارِ «ستیز» خود مفهوم استکبار است؛ یعنی هر موجودیتی که رفتار استکبارگرانه داشت،ستیز با او لازم است. ایشان همچنین ماهیت استکبار جهانی را فراتر از یک دولت قلمدادکرده و اظهار می‌دارند: «استکبار جهانی فقط یک دولت نیست؛ استکبار جهانی یک مجموعه قدرت است... تنها یک نقطه مشترک اساسی بین اجزای این مجموعه وجود دارد که به هر صورت، وقتی ملت و کشوری مثل ملت و کشور ما در مقابل منافع این مجموعه قیام می‌کند و این کشور بزرگ در این منطقه حساس را از زیر نفوذ این مجموعه بیرون می‌آورد، همه این مجموعه، متحد در مقابل او صف‌آرایی می‌کنند؛ استکبار جهانی یعنی این.» ایشان سپس، آمریکا را بارزترین مصداق استکبار و سردمدار مستکبران در عصر حاضر قلمداد می‌کنند: «اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند. امروز عمده مستکبران عالم آنها هستند.»

البته، رهبر انقلاب ضمن تفکیک قائل‌شدن میان دولت و ملت آمریکا، دشمنیِ انقلاب اسلامی را صرفاً معطوف به دولت آمریکا به‌دلیل سیاست‌های مستکبرانه‌اش می‌دانند و صراحتاً اعلام می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی هیچ مشکل و خصومتی با ملت آمریکا ندارد: «ما حتی با ملت آمریکا هم -با اینکه دولت آمریکا دولت مستکبر و دشمن، بدخواه و کینه‌ورز نسبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است- هیچ دشمنی نداریم؛ آنها هم مثل بقیه ملت‌هایند. آنچه نقطه مقابل نظام اسلامی است، استکبار است. جهت‌گیری خصومت‌های نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم... نظام اسلامی با ملت‌ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسان‌ها طرف نیست، نظام اسلامی با استکبار طرف است.»

راهکار مقابله با استکبار

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نقطه اتکای مستکبران در مواجهه با سایر ملت‌ها را هیبت و ظرفیت رعب‌آفرینی آنها می‌دانند: «من بارها این نکته را عرض کرده‌ام که استکبار بیش از اینکه نان قدرت و توانایی خودش را بخورد، نان هیبت و تشر خودش را می‌خورد. اصلاً استکبار با تشر و ابهت و شکلک درآوردن و ترساندن این و آن زنده است.» همچنین ایشان معتقدند وادادگی در مقابل استکبار و هراسیدن از هیبت آن موجب پیشروی مستکبران و افزایش سطح مطالبات آنان خواهد شد: «ما در مقابل استکبار و استعمار هرچه بیشتر خم شوید، بیشتر فشار وارد می‌کند. اگر سرتان را پایین‌آورید، فشار خود را راحت‌تر وارد می‌کند تا به سجده بیفتید. وقتی هم در مقابلش به خاک افتادید و سجده کردید، پایش را محکم روی شما می‌گذارد. این خاصیت قدرت‌های استکباری و متجاوز است.» به همین دلیل رهبر انقلاب ایستادگی را تنها راه مقابله با استکبار می‌دانند و قویاً بر این باورند که امکان غلبه‌یافتن بر قدرت مستکبران وجود دارد: «این را هم همه باید بدانیم و بفهمیم که عقب‌نشینی در مقابل قدرت‌های استکباری آنها را جری‌تر می‌کند؛ اما ایستادگی به ناکامی آنها می‌انجامد. قدرت ابرقدرت‌های دنیا یک قدرت بی‌تخلف و بی‌منتها نیست.»

دورنمای ستیز با استکبار

رهبر انقلاب، خوش‌بینانه به فرجام تقابل تاریخی مستضعفان و مستکبران می‌نگرند و به شکست نهایی استکبار جهانی اعتقاد راسخ دارند؛ یعنی به‌زعم ایشان، سنن قطعی الهی اقتضا می‌کند که جبهه حق در نهایت بتواند بر جبهه باطل فائق آید. البته، بدون تردید شرط تحقق وعده‌های الهی، پایبندی مستضعفان به تعهدات خویش و تداوم‌ستیز با استکبار و ایستادگی در برابر آن تا رسیدن هنگامه پیروزی نهایی خواهد بود: «چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمری است؛ چالش ادامه‌داری است. البته، به حول و قوه الهی تا ابد طول نخواهد کشید؛ هرچه زمان می‌گذرد، کفه نظام اسلامی سنگین‌تر و قوی‌تر می‌شود. آن روزی که دشمنان احساس نومیدی کنند، هجمه‌ها کم و به‌تدریج زائل خواهد شد؛ لکن تا آن روز، ایستادگی ملت و نخبگان ملت امری ضروری و لازم است.»

راز خصومت استکبار با انقلاب اسلامی

رهبر انقلاب، راز خصومت استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا با انقلاب اسلامی را در مخالفت انقلاب با سلطه‌پذیری و ایستادگی آن در مقابل منافع استعماری ابرقدرت‌ها می‌دانند؛ علی‌الخصوص که این مخالفت هرگز وجه شعاری نداشته و همواره در عرصه عمل ظهور و بروز یافته است: «جمهوری اسلامی، نظام جهانی ظالمانه را به چالش کشید؛ علت مخالفت با ما هم همین است... وَالّا اگر چنان‌چه اسلام غیرسیاسی، اسلامی که کاری به کار این و آن ندارد، اگر یک چنین اسلامی حاکم باشد، نه، هیچ اهمیتی هم نمی‌دهند و مخالفتی هم نمی‌کنند. شما با آمریکا، با دستگاه استکبار، با صهیونیسم همراه باشید -در کار اقتصادی‌شان، در کارهای سیاسی‌شان، در جهت‌گیری‌هایشان- و مثل آنها فکر کنید، مثل آن‌ها حرف بزنید، مثل آنها مشی کنید، هیچ مخالفتی ندارند؛ اسمتان مسیحی باشد، اسمتان بودایی باشد، اسمتان مسلمان باشد برایشان هیچ اهمیتی ندارد.»

دائمی بودن شعار استکبارستیزی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای،ستیز با استکبار را به اقتضای اصول شریعت اسلام یک وظیفه و راهبرد همیشگی برای تمامی مسلمانان می‌پندارند؛ راهبردی که بستگی به شرایط زمان و مکان ندارد، بلکه ویژگی ذاتی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و در هر موقعیتی لازم‌الأجراست. به‌عبارت دیگر، انقلاب ما به‌واسطه اسلامی بودنش ذاتاً با قدرت‌های مستکبر عالم خصومت دارد و این واقعیت، شعار استکبارستیزی را به شعار دائمی و غیرقابل تغییر انقلاب اسلامی مبدل می‌سازد: «مفهوم استکبار، مقابله با استکبار را از سوی مسلمین و مؤمنین و نظام و انقلاب اقتضا می‌کند؛ آن هم نه به صورت مصلحتی و موسمی و تاکتیکی، بلکه به‌صورت همیشگی این مقابله وجود دارد. ذات انقلاب این است و تا انقلاب هست، چنین چیزی هم خواهد بود.» با این حساب، مادامی که مستکبران عالم به استکبارگری مشغول‌اند، جمهوری اسلامی ایران در برابر آنان موضع خواهد گرفت و همچنان شعار ضدیت با استکبار را سر خواهد داد: «چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمر و ادامه‌داری است.»

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

کجای کار برجام ایراد داشت؟

اخیرا مقام معظم رهبری درباره نقص‌هایی که در برجام وجود داشت و برطرف نشد و موجب خسارت‌های سنگینی به کشور شد فرمودند: «در قضایای برجام در سال ۹۴ و ۹۵ ایرادی که بنده می‌گرفتم این بود که یک نکاتی باید در برجام رعایت می‌شد که مشکلات بعدی پیش نیاید. اعتراض من عمدتاً به این بود. من می‌گفتم این نکات را باید در نظر بگیریم. در تذکرات هم آن را مکرر گفتم. خب بعضی از این‌ها در نظر گرفته نشد، مورد توجه قرار نگرفت این مشکلات بعدی پیش آمد که خب همه مشاهده می‌کنند.»

مشکلاتی که در ماجرای برجام پیش آمده و همه شاهد آن هستیم از این قرار است:

۱. خروج آمریکا از برجام و نادیده گرفتن تعهدات برجامی‌اش

قرار بر این بود که وقتی ایران همه تعهداتش را انجام داد آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نیز بلافاصله همه تحریم‌های ظالمانه‌شان را لغو کنند ولی متأسفانه ایران همه تعهداتش را به‌طور کامل و با عجله انجام داد و سانتریفیوژهای خود را جمع‌آوری و تا ۵ هزار دستگاه تقلیل داد و در قلب راکتور اراک سیمان ریخت و اورانیوم با غنای ۲۰ درصدش را نابود کرد و اورانیوم با غنای ۵ درصد را نیز به خارج فرستاد ولی غربی‌ها پس از راستی‌آزمایی اقدامات ایران، به هیچ یک از تعهدات خود عمل نکردند و هر روز در برابر تذکر ایران بهانه‌ای تراشیدند! مقام معظم رهبری که غربی‌ها را به‌خوبی می‌شناخت و از عهدشکنی‌ها و پیمان‌شکنی‌های آنان در طول تاریخ اطلاع داشتند خطاب به رئیس‌جمهور وقت آقای حسن روحانی فرمودند: «از آن‌جا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکول گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلّف طرف‌های مقابل، تدارک شود، که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتّحادیه اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها است. در اعلام اتّحادیه اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریم‌ها به‌کلّی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر این‌که ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به‌منزله نقض برجام است.» متأسفانه آقای روحانی با خوش‌بینی مفرطی که به غرب و به ویژه آمریکا داشت «امضای کری» را کافی می‌دانست و هیچ‌گونه تضمینی نه از آمریکا و نه از اروپا نگرفت و بدون تضمین به تعهدات برجامی‌اش اقدام کرد و در نتیجه زمینه نقض عهد برای غربی‌ها فراهم کرد.

۲. وضع تحریم‌های جدید

یکی دیگر از مشکلاتی که به‌وجود آمد این بود که آمریکایی‌ها بعد از انجام کامل تعهدات از سوی ایران، علاوه‌بر تمدید تحریم‌های گذشته، تحریم‌های جدیدی بر ضد ایران وضع کردند، در حالی که اگر به تذکرات جدی رهبری اهمیت داده بودند این اتفاق صورت نمی‌گرفت؛ ایشان خطاب به رئیس‌جمهور وقت فرمودند «در سراسر دوره هشت‌ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای(از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسّط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظّف است طبق بند ۳ مصوّبه مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعّالیّت‌های برجام را متوقّف کند.»ولی دولت روحانی در برابر نقض عهدهای مکرر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به جای اعتراض به نقض برجام، به توجیه نقض عهدهایشان از جمله تحریم‌های جدید می‌پرداخت و این‌گونه شد که به جای رفع تحریم صدها تحریم دیگر نیز بر تحریم‌های قبلی اضافه شد.

۳. سوءاستفاده از واژه‌ها و عبارت‌های مبهم

یکی دیگر از مشکلات پیش آمده در برجام این بود که غربی‌ها و آمریکایی‌ها با زرنگی سیاسی و شیطنتی که دارند سعی کردند از عبارت‌ها و واژه‌های مبهم و غیرشفاف و چندپهلو استفاده کنند تا در آینده بتوانند برای فرار از تعهداتشان راهی داشته باشند. لذا از ابهام‌های موجود در برجام سوءاستفاده کرده، تفسیرهای خودشان را مبنا قرار می‌دهند آنها می‌گویند ما هیچ‌گاه قول «لغو تحریم» نداده‌ایم آنچه نسبت به آن تعهد داده‌ایم تنها «تعلیق تحریم»ها بوده است به همین دلیل اکنون از تعلیق خارج شده دوباره تحریم‌ها را فعال کرده‌ایم. در حالی که مقام معظم رهبری بارها بر این نکته تاکید فرموده بودند که سعی کنید کلمات و عباراتی که در قرارداد گنجانده می‌شود هیچ‌گونه ابهامی نداشته باشد تاجلوی هرگونه سوءاستفاده‌ای گرفته شود ایشان فرمودند:«وجود پیچیدگی‌ها و ابهام‌ها در متن برجام و نیز گمان نقض عهد و تخلّفات و فریب‌کاری در طرف مقابل به‌ویژه آمریکا، ایجاب می‌کند که یک هیئت قوی و آگاه و هوشمند، برای رصد پیشرفت کارها و انجام تعهّدات طرف مقابل و تحقق آنچه در بالا بدان تصریح شده است، تشکیل شود. ترکیب و وظایف این هیئت باید در شورای عالی امنیّت ملّی تعیین و تصویب شود.» ولی مع‌الاسف به‌رغم آن همه تاکید بر شفافیت، باز هم از همان واژه‌های بسیار مبهم استفاده شد. به طوری که همین اخیرا طرف آمریکایی اظهار داشت که ما تلاش کردیم از واژه‌ای استفاده کنیم که مفید «تعلیق» باشد نه «لغو» و موفق هم شدیم، چون ایرانی‌ها فرق میان لغو و تعلیق درست تشخیص نمی‌دادند!

۴. امیدواریم تجربه گذشته درس عبرتی باشد برای تیم جدید مذاکره کننده و توصیه‌های رهبری نصب‌العین خویش قرار دهند تا دیگر چنین اتفاقاتی شومی برای کشور رقم نخورد و حقوق ملت ایران پایمال نشود. بیانیه اخیر نمایندگان مجلس مبنی بر ضرورت رعایت شرایط ۵ گانه، و توضیحات وزیر خارجه ایران نشانگر این است که دولت در مذاکرات جاری بسیار هوشمندانه عمل می‌کند و ان‌شاءالله نتایج خوبی نیز نصیب ملت ایران خواهد شد.

۵. مهم‌ترین توصیه‌ای که رهبری در دولت سابق به تیم مذاکره‌کننده داشتند و رعایت نشد این بود که در مذاکرات و اجرای برجام شتاب نکنند. بی‌تردید ایران امروز بسیار قوی‌تر از دیروز است و غربی‌ها بسیار شکننده‌تر از دیروز، چنانچه دولت رئیسی بر مواضع خودش بایستد غربی‌ها مجبورند کوتاه بیایند. ما نباید به هیچ وجه در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب تسلیم شویم اورانیوم‌های تولید شده تا مرز ۶۰ درصد نیز نباید به خارج از کشور ارسال کنیم بلکه باید در ایران در زیر دوربین آژانس نگهداری کنیم و به‌عنوان یک تضمین مهم از آنها استفاده کنیم به‌طوری که اگر دوباره نقض عهدی پیش آمد ما از همان جا کارمان را ادامه بدهیم. وجود چنین تضمینی است که موجب عدم تکرار عهدشکنی‌ها خواهد شد.

منبع: پرتو سخن

بحران اوکراین و عبرت‌های آن

امنیت قابل معامله نیست

اکبر معصومی

ارتش روسیه با دستور مستقیم پوتین رئیس‌جمهور محبوب این کشور وارد اوکراین شد. کشوری که زمانی عضو اتحاد جماهیر شوروی بود. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلیل بحران اوکراین را می‌توان اقدام‌های خودسر ناتو و آمریکا در شرق اروپا ارزیابی کرد. ناتو پیمانیست که در تقابل با اتحاد جماهیر شوروی (بخوانید روسیه) به‌وجود آمده است.

روسیه معتقد است که ناتو برخلاف وعده‌های خود در هنگام سقوط دیوار برلین مبنی بر عدم گسترش خود به شرق اروپا در سال‌های اخیر در چندین مرحله خود را به مرزهای روسیه نزدیک کرده است، عضویت کشورهایی مثل رومانی، بلغارستان، لتونی و لیتوانی حوزه نفوذ روسیه را به شدت کاهش داده است حال آنکه به عقیده اکثر کارشناسان ناتو اصلا توانایی دفاع از این کشورها را در برابر حمله احتمالی روسیه ندارد، به هر حال روسیه مجبور بود که در مقابل گسترش ناتو به شرق بایستد وگرنه دیر یا زود اوکراین و گرجستان نیز به دامان غرب می‌افتادند. رئیس‌جمهور روسیه معتقد است که ناتو در اسناد خود مسکو را دشمن خطاب می‌کند و غربی‌ها با تحریم‌ها به‌دنبال جلوگیری از رشد اقتصاد روسیه هستند. بنابراین روس‌ها واکنش نظامی به اوکراین را برای جلوگیری از گسترش ناتو به حیاط خلوت خود تلقی می‌کنند که ممکن است در روزها و هفته‌های آینده این واکنش شدت بیشتری نیز به خود بگیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حمله روسیه به اوکراین باترکیبی از حملات سنگین توپخانه‌ای، راکتی، موشک‌های کروز و بالستیک در کنار حملات هوایی بوده است و فعلا و بر اساس اخبار رسیده مراکز نظامی، خصوصاً پایگاه‌های هوایی و مراکز کنترل و فرماندهی جزو اهداف اولیه حملات روسیه بوده است.

معاهده بوداپست

طبق معاهده بوداپست آمریکا و انگلیس متعهد به حمایت کامل از اوکراین در مقابل حملات نظامی شده‌اند. در واقع در سال ۱۳۷۳، اوکراین با امضای معاهده «بوداپست» به همراه آمریکا، انگلیس و روسیه، متعهد شد که کلیه سلاح‌های هسته‌ای خود را تحویل دهد و در مقابل آمریکا و انگلیس تعهد کردند که از امنیت و تمامیت ارضی اوکراین درمقابل هرگونه تجاوز خارجی حمایت کنند. اوکراین به این تعهد خود به طور کامل عمل کرد اما از آن به بعد به یک کشور حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر تبدیل شد.

«یوری کاستنکو» سیاستمدار معروف اوکراینی در کتاب «اوکراین و خلع سلاح هسته‌ای» چنین نوشته است: «همه ما (اوکراینی‌ها) فریب خوردیم و برای آن معاهده دست زدیم، بنابراین همه ما مقصریم. خلع سلاح هسته‌ای با توافق و کف و سوت ملت اوکراین و با حمایت رسانه‌ای و تبلیغاتی انجام شد. اما اکنون مشخص شده که آن ارزیابی‌ها کاملاً اشتباه بوده است. گویی اوکراین، عراق دوم شده که نظام آن با تهاجمی بین‌المللی سرنگون شد و در حال حاضر به سمت تکه‌تکه شدن و غرق شدن در بحران‌های گوناگون پیش می‌رود».

واکنش غرب به حمله روسیه چه خواهد بود

یکی از مهم‌ترین اشتباه راهبردی دولت اوکراین چیدن بازل بازی بر اساس وعده‌های غر